

بسم الله الرحمن الرحيم

نبا به معنای خبر است که از آیه دوم همین سوره اقتباس گردیده، لکن به نام‌های دیگر چون المعصرات و عم‌یتسائلون نیز خوانده شده‌است. آغاز سوره با استفهامی که مبین عظمت نیز است، در مورد پرسش مردمان از یکدیگر راجع به قیامت شروع می‌شود و پس از آنکه ذهن‌ها را با این استفهام متوجه کرده، به بیان صفات قیامت و حتمی بودن وقوع آن می‌پردازد و برای استدلال به نظام مشهود در عالم که با تدبیر حکیمانه الهی به وجود آمده و جریان دارد، اشاره می‌کند تا همگان بدانند که پس از این جهان متغیر، عالمی ثابت خواهد بود که به‌عکس این جهان که در آن عمل هست و جزا نیست، جزا خواهد بود و از عمل اثری نخواهد بود. در آیات اول تا سوم چنین آمده‌است: مردم از چه خبر مهمی پرسش می‌کنند (۱) از آن خبر بزرگ، قیامت (۲) که در آن با هم به جدل و اختلاف کلمه برخاستند (۳) هنگامی که پیامبر-صلوات الله علیه وآله- دعوت خویش را آشکار فرمود و مردم را به دین حق خواند و از قیامت بیم داد، کفار و مشرکین در مورد قیامت و وقوع آن اختلاف کردند، زیرا عقیده‌شان در این باب یکسان نبود. به شهادت قرآن برخی از مشترکین، معاد را محال می‌دانستند. چنانچه در سوره سبا، آیه هفتم به آن اشاره شده‌است و گروهی به نظرشان، وقوع قیامت بعید می‌آمده‌است، چنانچه در سوره مومنون، آیه سی‌وششم ذکر گردیده‌است و برخی هم در آن شک داشتند، همانطور که سوره نمل، آیه شصت‌وششم، این معنا را ذکر می‌کند و بالاخره عده‌ای نیز به آن یقین داشتند، اما از روی دشمنی و لجاج آن را انکار می‌کردند که در سوره ملک، آیه بیست و یکم، حکایت اینان آمده‌است. پس از آن خداوند، با نابه‌جا دانستن تردید آنان در این باره و ذکر اینکه بزودی برایشان آشکار خواهد شد آنچه در آن اختلاف می‌کردند، در آیات چهارم و پنجم می‌فرماید: چنین نیست که منکران پنداشتند، به زودی خواهند دانست (۴) و البته نه چنان است که گمان دارند، به زودی خواهند دانست (۵) باید اشاره کنیم که مفسرین بزرگ شیعه چون ابن بابویه و محدثین ارجمندی چون صاحب بصائرالدرجات، از ائمه خدا روایاتی در تاویل این آیه نقل کردند که به نص صریح، مراد از نبا عظیم، امیرالمومنین، علی-علیه السلام- و ولایت اوست که پس از مرگ از اعتقاد به آن، سوال می‌شود. همانطور که از توحید و نبوت، سوال می‌گردد. پس از این سه آیه، در آیات دیگر، پروردگار متعال به استدلال و احتجاج برای اثبات وقوع قیامت می‌پردازد و بیان می‌کند که این نظام پیچیده و دقیق، با شب‌ها و روزها و نسل‌های پی‌درپی انسان‌ها و تدبیر حکیمانه‌ای که در ذره‌ذره آن جاریست، نمی‌تواند برای سرگرمی و بازی آفریده شده‌باشد و هیچ هدفی و غرضی در پیدایش آن ملحوص نباشد و به این ترتیب به اثبات عالمی می‌پردازد که باید برخلاف این جهان متغیر و گذرا، جاودان و ثابت باشد تا نتیجه این صلاح و فساد که در این جهان بود و هست، در آنجا آشکار شود و نیکوکار، پاداش و بدکردار، کیفر ببیند. در آیات کوتاه پنجم تا شانزدهم، چنین آمده‌است: آیا ما زمین را مهد آسایش، خلق نگردانیدیم (۶) و کوه‌ها را میخ‌های آن ساختیم (۷) و ما شما را جفت، به صورت زن و مرد آفریدیم (۸) و خواب را برای شما مایه آرامش قرار دادیم (۹) و پرده سیاه شب را پوششی

گردانیدیم (۱۰) و روز روشن را برای تحصیل معاش مقرر داشتیم (۱۱) و بر فراز شما، هفت آسمان محکم بنا کردیم (۱۲) و در آن چراغی فروزان نهادیم (۱۳) و از ابرهای متراکم، آب باران فروریختیم (۱۴) تا به واسطه آن، دانه (۱۵) و گیاه و باغ‌های پردرخت برآید (۱۶) گفتنی است که همه استدلال‌های قرآن یا اکثر آنها بر پایه مشهودات و اموری است که عامه مردم به سهولت با آن ارتباط دارند و از این جهت، در نوع خود بی نظیر است، زیرا هم دربردارنده برهان کافی است و هم ساده و همه‌فهم است. درضمن فراموش نکنیم که برخی از مطالب قرآن درباره طبیعت، تنها با گذشت قرن‌های متمادی توسط دانشمندان و پژوهشگران کشف و به اثبات علمی رسیده‌است، از جمله‌ی آنها اینکه ابرها در اثر تراکم و سرد شدن، باران‌زا می‌شود و این مسئله‌ای نیست که در هنگام نزول قرآن، مردم به آن آگاهی علمی داشته‌باشند. به هر جهت در باب هر یک از آیات ذکر شده، دانشمندان توضیحاتی را منطبق بر علوم روز بیان داشتند که پرداختن به آنها از حوصله این ترجمه خارج است و احتیاج به فرصتی وسیع‌تر دارد. اما قدر مسلم این که به اعتراف هر عقل سلیم و هر فطرت سالمی، تفکر در ظواهر این آیات به تنهایی کافی است تا آدمی را به قدرت آفریننده بی‌نیاز و حکیم و توانای این آثار، آشنا کند و به او بفهماند که در پس این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود، آفریدگاری دانا و توانا وجود دارد که این خانه را بیهوده و عبث نیافریده که از سر حکمت و کمال عنایت از نیستی به هستی آورده است و سرانجامی نیز برای آن تقدیر فرموده‌است. آری، آن سرانجام قیامت است. روزی که همگان، به سوی حق-جل و علا- محشور می‌شوند، در حالی که هر کس، خود، می‌داند که چه کرده و چه سرنوشتی در انتظار اوست. روزی که مال و فرزند، دستگیر کسی نیست. روزی که جان‌ها، از ترس اعمال، در گلوگاه‌ها چنبره می‌زند. روزی که مومنان در سرور و کافران در عذاب دردناک خواهند بود. در آیات هفدهم تا نوزدهم آمده است: وعده ما است (۱۷) روزی که در صور دمیده شود و شما مردم، دسته دسته حاضر آید (۱۸) و آسمان گشوده شود و درهایی پدید آید (۱۹) بعضی از مفسران، در تفسیر این آیه گفته‌اند که درهای عالم غیب و عالم شهود گشوده می‌شود، حجاب‌ها کنار می‌رود و عالم فرشتگان به عالم انسان راه می‌یابد. جمعی دیگر از مفسران، این آیه را اشاره به مطلبی دانستند که در آیات دیگر قرآن آمده و بیان می‌کند که در آستانه قیامت، آسمان شکافته می‌گردد و آنقدر در کرات آسمانی، شکاف ظاهر می‌شود که گویی سرتاسر آن به درهایی تبدیل شده است. در آیات بیستم تا بیست و دوم می‌خوانیم: و کوه‌ها به حرکت آید و چونان سرابی شود (۲۰) به راستی که دوزخ کمینگاه است (۲۱) و برای سرکشان، بازگشتگاهی (۲۲) جهنم محل عبور همه مردم است و در این گذرگاه، فرشتگان عذاب در کمین‌اند تا دوزخیان را برابیند. جهنم محل بازگشت طاغیان است که خروج از حد، کار همیشگی آنان بوده‌است. محل بازگشت به این معناست که ستمگران در دنیا نیز جهنم را ماوا خود کرده‌بودند، پس در روز قیامت، بدان باز می‌گردند. در آیات بیست و سوم تا بیست و هشتم می‌خوانیم: سرکشان در دوزخ، روزگارانی ماندگار شوند (۲۳) آنجا هیچ خنکایی و هیچ نوشیدنی نخواهند چشید (۲۴) جز آب جوش و چرک و خون (۲۵) که کیفری است، درخور (۲۶) از آن رو که آنان از روز حساب نمی‌ترسیدند (۲۷) و آیات ما را سخت انکار می‌کردند (۲۸) بیان خدا خیلی روشن است، کافران چون باوری به روز حساب در روز داوری نداشتند و از حیات آخرت مایوس بودند، لذا تمام آیاتی که این روز را اثبات می‌کند، تکذیب

می‌نمایند و وقتی قیامتی نباشد، خود به خود آیات توحید و نبوت نیز انکار می‌شوند. در نتیجه به کلی عبودیت خدا را رها می‌کنند. لذا فقط برای آنها شقاوت می‌ماند. در آیات بیست و نهم و سی‌ام می‌خوانیم: ما همه چیز را شمردیم و ثبت کردیم (۲۹) حال بچشید آنچه کرده‌اید که جز عذاب بر عذابتان نیفزاییم (۳۰) لحن تهدیدآمیز و خشم‌آلود شدیدی این آیه شریفه دارد و یکسره کافران را مایوس می‌سازد. در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام-صلی الله علیه و آله و سلم- آمده است، این آیه شدیدترین آیه‌ایست که در قرآن درباره دوزخیان آمده است. در آیات سی و یکم تا سی و پنجم می‌خوانیم: بی‌گمان رستگاری از آن پرهیزگاران است (۳۱) بهشت، بوستان‌هایی و تاکستان‌هایی دارد (۳۲) و حوریانی جوان، همانند و همسان (۳۳) و جامی لبریز (۳۴) آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی (۳۵) سخن لغو، سخنی است که هیچ اثر مطلوبی بر آن، مترتب نباشد. بنابراین سخنان پرهیزگاران فقط حق است، یعنی زبانی که در دنیا، همواره یکی از علل اصلی ناامنی برای ستمگران بود، در جمع بهشتیان به عامل آرامبخش تبدیل می‌شود، زیرا فقط حق را بیان می‌کنند. در آیات سی و ششم و سی و هفتم آمده است: این همه، پاداشی است از پروردگار تو، بخششی حساب شده (۳۶) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، خداوند رحمان که کسی را یارای سخن گفتن با او نباشد (۳۷) در این آیه شریفه کلمه رب، تفسیر شده است. ربوبیت خدا عمومی است و هر موجودی را شامل می‌شود. پس این اعتقاد مشرکان که برای هر طایفه‌ای از موجودات، ربی قائل‌اند، رد می‌شود. در آیه سی و هشتم آمده است: روزی که روح و فرشتگان به صف ایستند، سخن نگویند مگر آنها که خدای رحمان بدانها رخصت دهد و سخن درست گویند (۳۸) همانطور که روح و فرشتگان در این جهان، مجری محض فرمان خدا و تدبیرکننده‌ی امر اویند، در عالم آخرت نیز فرمانبری آنها بیشتر آشکار می‌شود. در آن روز خدا به کسی اجازه حرف زدن نمی‌دهد مگر آن کس را که حق محض می‌گوید و سخنش آمیخته با باطل نیست. در آیات سی و نهم و چهلم آمده است: رستاخیز همان روزی است که حق است. حال هر که خواهد می‌تواند راه بازگشتی به سوی پروردگار خویش پیش گیرد (۳۹) ما شما را از عذابی نزدیک، بیم داده‌ایم، روزی که آدمی در آنچه از پیش فرستاده بنگرد و روزی که کافر گوید که ای کاش خاک می‌بودیم (۴۰) عذاب آخرت نزدیک است، چون حتماً واقع می‌شود، به علاوه چون مایه عذاب الهی، اعمال خود انسان هاست و این اعمال همیشه با آنهاست، لذا عذاب آخرت از هر چیزی به انسان نزدیک‌تر است. در آن روز انسان منتظر دیدن اعمال خود و جزای آنهاست که در زندگی دنیا بدان مبادرت ورزیده و از پیش فرستاده است، اما کفار وقتی تمام اعمال عمر خود را در برابر خویش حاضر می‌بینند، آنچنان در حسرت و اندوه فرو می‌روند که می‌گویند ای کاش از مرحله خاک فراتر نمی‌رفتیم و فاقد شعور بودیم و ای کاش پس از مردن دیگر زنده نمی‌شدیم تا مجبور باشیم اعمال زشتمان را ببینیم و عواقب آن را تحمل کنیم.